

## بازتفسیر مواجهه ایوب (علیه السلام) با همسرش در قرآن با تمرکز بر آیه ۴۴ سوره ص

\* صالحه خدادادی

\*\* فاطمه باجلانی

\*\*\* محسن بدره

DOI: 10.22096/RC.2024.2001230.1116

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱]

### چکیده

یکی از آیاتی که مسئله خشونت نمادین علیه همسر ذیل آن بررسی شده، آیه ۴۴ سوره ص است. این پژوهش بر آن است با بررسی وسیع تفسیرهای متقدم و متأخر اعم از شیعه و سنی از این آیه، محتوای آنها درباره خطاهای نسبت داده شده به همسر ایوب و مواجهه این پیامبر با همسر خود و همین طور قضاوت نهایی خداوند عزوجل را تحلیل و مقوله بندی نموده و ریشه های درون مایه های مشهور در تفسیر این آیه را بکاود و سپس با بررسی انتقادی این درون مایه ها و روایت های پس زمینه آن، سعی در ارائه تفسیری بدیل به شیوه قرآن به قرآن نماید. با کاوش آیات مرتبط با داستان ایوب و همین طور آیات دیگری در سوره های بقره و واقعه و مطالعه واژگان هم ریشه «تحنث» در قرآن، آیه ۴۴ سوره صاد را می توان چنین تفسیر نمود که خداوند فرموده است: «ای ایوب) آن دسته ساقه ها را بگیر و به مزار آن پیکرهای بی جان بزن (تا به اذن خداوند زنده شوند) و به قدرت پروردگارت برای احیای مردگان یقین کن». در این تفسیر بدیل، مسئله خشونت خانگی مشروع در قبال یک همسر وفادار ولو به شکل نمادین وجود ندارد و برخی درون مایه هایی که در برخی تفاسیر بررسی شده از این آیه در اتهام به همسر این پیامبر و نیز طعن به عصمت انبیا وجود دارند نیز مرتفع می شوند.

**واژگان کلیدی:** زن در قرآن؛ همسر ایوب؛ ضرب زنان؛ آیه ۴۴ ص؛ عصمت انبیا.

\* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: s.khodadadi72@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.  
Email: abi62fbi@gmail.com

\*\*\* استادیار، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. i  
Email: m.badreh@alzahra.ac.i



## ۱. مقدمه

یکی از پربسامدترین موضوعات در زمینه مطالعات اسلام و جنسیت، مسئله خشونت علیه زنان در قرآن کریم بوده است که شمار بسیاری از مطالعات را در ایران و جهان به خود اختصاص داده است. بیشترین تمرکز این مطالعات بر روی تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء قرار گرفته است. یکی دیگر از آیاتی که در این مسئله مورد نظر بوده است و چه در تفاسیر سنتی و چه تفاسیر متأخر مسئله خشونت نمادین علیه همسر ذیل آن بررسی شده یا در این باره بدان استناد شده است، آیه ۴۴ سوره مبارکه ص است. این مسئله از دو جهت اهمیت ویژه دارد؛ هم مسئله کرامت زنان و نحوه رفتار یک شخصیت مقدس یعنی ایوب با همسر خویش و تحریم یا مشروعیت بخشی به خشونت خانوادگی را دربردارد و هم با مسئله عصمت انبیا مرتبط است. این پژوهش بر آن است تا با بررسی وسیع تفسیرهای متقدم و متأخر اعم از شیعه و سنی، محتوای این تفاسیر از آیه یادشده را تحلیل و مقوله بندی نموده و ریشه های درون مایه های مشهور در تفسیر این آیه را بکاود سپس با بررسی انتقادی این درون مایه ها و روایت های پس زمینه آن، سعی در ارائه تفسیری بدیل به شیوه قرآن به قرآن نماید.

ترتیب محتوای مقاله چنین است که نخست نتیجه بررسی تفاسیر قرآن در یک مقوله بندی نه گانه ارائه شده و سپس به ارائه نقد و تفسیر بدیل به شیوه قرآن به قرآن پرداخته می شود و در فرجام نتیجه گیری می آید.

در این مقاله پس از مطالعه تفاسیر سنتی و معاصر، تفسیرهای گوناگون صورت گرفته از آیه ۴۴ سوره ص دسته بندی شده اند این آیه مربوط به مقطع خروج از مصیبت در زندگی ایوب علیه السلام است و جمهور مفسرین آن را در مواجهه ایوب با همسرش تفسیر نموده اند.

این پژوهش از شیوه بررسی کتابخانه ای-اسنادی بهره برده و اسناد مورد کاوش قرار گرفته، کتب تفسیری بارز سنتی و نو در هر دو فرق شیعی و سنی بوده است. در ادامه مقاله نظریه حجت الاسلام والمسلمین غلام عباس هاشمی همدانی مبتنی بر نقد ایشان به آرای مفسران تشریح شده است.

همچنین با توجه به سه روش اصلی تفسیر آیات قرآن، یعنی تفسیر به رأی، تفسیر روایی و تفسیر قرآن به قرآن، روش به کاررفته در بازتفسیر آیه مذکور، روش قرآن به قرآن بوده، به نحوی که در تفسیر آن، از آیاتی در سوره بقره و واقعه استفاده شده است که این خود، به نحوی نوآوری پژوهش حاضر نیز به حساب می آید.

## ۲. پیشینه

به طور کل منابعی که بخواهد به رابطه آیه ۴۴ سوره ص و همسر حضرت ایوب (علیه السلام) در منابع تفسیری بپردازد فقط دو مقاله پژوهشی است. احمدنژاد و دیگران در نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر آیه ۴۴ سوره ص و تازیانه زدن ایوب به همسرش، اهم آرای تفسیری در باب این آیه را دسته بندی کرده و البته بیشتر بر طرح و نقد اقوال روایی تمرکز کرده اند. ایشان در نهایت به کنار گذاشتن بسیاری از عناصر داستانی منقول در این اقوال مانند خطاهای ذکر شده برای همسر ایوب و سوگند این پیامبر برای تنبیه همسرش می رسند و فراز ((وَأُخَذَ بِيَدِكِ ضَعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ)) را امتنان دیگری در کنار باقی نعمت های ذکر شده در آیات قبل تلقی می کنند که به طور سربسته بیان شده است. این پژوهش مدعی ارائه یک تفسیر جایگزین نیست و به چنین تفسیری نیز ختم نمی شود.

همچنین در مقاله دوم با عنوان: نقد و بررسی آرای تفسیری فریقین در تفسیر آیه ۴۴ سوره «ص»، محمدجعفری و اصلانی به بررسی و نقد آرای تفسیری فریقین درباره این آیه می پردازند و مسئله علت سوگند و فرد مضروب در این آیه را مطالعه می کنند. آنها در نهایت مضمون «سوگند ایوب برای مضروب کردن همسرش و حکم تخفیف الهی برای این مجازات و ذکر نشدن خطای همسر یا سبب سوگند این پیامبر به خاطر حفظ ادب و احترام» را می پذیرند.

مهم ترین تمایز این مقاله، بررسی گسترده و گونه شناسی شمار زیادی از منابع تفسیری فریقین و نقد قرآنی-روایی-کلامی آنها و سپس ارائه تفسیری بدیل از این آیه در انسجام با مضامین قرآنی است که در پژوهش های صورت گرفته تا به حال وجود ندارد.

## ۳. دسته بندی نه گانه تفاسیر قرآن کریم از آیه ۴۴ سوره ص

مطالعه تفاسیر گوناگون قرآن کریم اعم از متقدم و متأخر و شیعه و سنی در رابطه با آیه ۴۴ سوره ص ما را به نه گونه داستان از علت قسم خوردن ایوب، نقش زن او در این قسم و نحوه وفای ایوب به آن قسم می رساند. این داستان های کم و بیش متفاوت، چنانکه خواهیم دید معمولاً بازتاب احادیثی است که مورد استناد مفسرین قرار گرفته است.

### ۳-۱. عصبانیت ایوب از همسرش به جهت مکالمه با شیطان

در مجمع البیان آمده است که ابن عباس گوید: «شیطان به صورت طبیعی بر همسر ایوب ظاهر شد و گفت من ایوب را شفا می دهم به این شرط که پس از بهبودی بگویدی تو مرا شفا دادی.

همسر ایوب قضیه را به وی ارائه کرد و او ناراحت شد و سوگند خورد که پس از بهبودی او را صد تازیانه بزند.<sup>۲</sup>

طبری روایت نموده است، ایوب آن چنان از هم سخن شدن همسرش با ابلیس برآشفته که در خطاب به او گفت مثل تو مانند زن زانیه است و بنابراین تصمیم به مجازات زوجه خود گرفت.<sup>۳</sup>

عزیزه الحبری در خوانشی متفاوت از مسئله ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء، برای استدلال جهت نمادین بودن ضرب در آن آیه، به «ضرب» در آیه ۴۴ سوره ص اشاره می‌کند و همین برداشت را اساس قرار می‌دهد که ایوب از همسر خود خشمگین شده و قسم خورده که او را بزند و این آیه بیان می‌کند که ایوب برای نشکستن سوگند باید به آن عمل کند، اما این زدن باید نمادین و مثلاً با علف یا شاخه‌ای از برگ‌ها باشد.<sup>۴</sup>

همچنین تفاسیر دیگری همچون نمونه،<sup>۵</sup> منهج الصادقین فی الزام المخالفین،<sup>۶</sup> تفسیر شریف لاهیجی،<sup>۷</sup> مخزن العرفان در تفسیر القرآن،<sup>۸</sup> کشف الاسرار و عده الابرار<sup>۹</sup> و تفسیر سورآبادی<sup>۱۰</sup> نیز روایت مذکور را مبنای فهم آیه مذکور قرار داده‌اند و در این دسته قرار می‌گیرند.

### ۲-۳. عصبانیت ایوب از گیسوان بریده همسر

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «حسب روایتی که در تفسیر قمی و تفسیر برهان از امام صادق علیه السلام روایت نموده چنین است که همسر ایوب برای تحصیل غذا و لقمه نانی برای ایوب که به سختی دست می‌آورد، روزی برخورد نمود به اینکه موهای سر خود را به رایگان بدهد و قطعه نانی به دست آورد و برای تأمین زندگی ایوب آماده نماید. هنگامی که ایوب علیه السلام

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم علی کرمی، جلد ۲۱، چاپ اول (تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰)، ۱۱۳.

۳. ابو جعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی التفسیر القرآن (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق)، ۱۰۸-۱۰۹.

۴. Al-Hibri, A., "An Islamic Perspective on Domestic Violence," *Multi-cultural Family* (January 01, 2008): 311-340.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۱۹، چاپ اول (تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴)، ۲۹۹.

۶. ملا فتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، جلد ۸ (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶)، ۶۰.

۷. محمد بن علی شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، جلد ۳، چاپ اول (تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳)، ۸۳۴.

۸. سیده نصرت امین اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، جلد ۱۱ (تهران: نشر نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱)، ۱۵۸.

۹. احمد بن ابی سعد رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار و عده الابرار، جلد ۸، چاپ پنجم (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ۳۵۵.

۱۰. ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی، تفسیر سورآبادی، جلد ۳، چاپ اول (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰)، ۲۱۳۹-۲۱۴۱.

بازتفسیر مواجهه ایوب (علیه السلام) با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۷۹

مشاهده نمود و قبل از اینکه بر جریان آگاهی بیابد غمناک گشت و سوگند یاد نمود که چنانچه عافیت بیابد، همسر خود را تنبیه نماید و یک صد تازیانه به او بزند»<sup>۱۱</sup>.

در بیان السعاده آمده است: «ایوب دید زلف‌های همسرش بریده شده است و این بدان سبب بود که زن ایوب از مردم برای ایوب غذا می‌خواست ببرد و چون موهای زیبا داشت به او گفتند: زلف‌هایت را به ما بفروش تا به تو طعام بدهیم، پس موهایش را برید و به آنها داد و در مقابل آن برای ایوب از آنها طعام گرفت، وقتی ایوب دید موهای همسرش بریده غضبناک شد و سوگند یاد کرد که صد چوب به او بزند»<sup>۱۲</sup>.

تفسیر دیگری همچون اطیب‌البیان<sup>۱۳</sup>، انوار درخشان<sup>۱۴</sup>، جامع<sup>۱۵</sup>، روان جاوید<sup>۱۶</sup> و هدایت<sup>۱۷</sup>، قول چهارم از تفسیر الجامع لأحكام القرآن<sup>۱۸</sup> و الصافی<sup>۱۹</sup> نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

### ۳-۳. قسم ایوب برای تنبیه به جهت عدم صبوری زوجه

برخی تفاسیر با استناد به روایات مربوط به سال هفتم (سال آخر) از گرفتاری ایوب، اقدام به تفسیر این آیه کرده‌اند. در این منابع به تکدر خاطر ایوب از همسرش اشاره شده که منجر به سوگند ایوب برای تنبیه همسرش می‌شود. در احسن‌الحديث آمده است: «به نظر می‌آید زنتش به او خشونت کرده که چرا از خدا برای خودت عافیت نمی‌خواهی؟ ایوب ناراحت شده و سوگند یاد کرد بعد از شفا یافتن تأدبش نماید»<sup>۲۰</sup>.

### ۳-۴. عدم رضایت جنسی ایوب (علیه السلام) از همسرش

در تفسیر آسان آمده است: «ایوب (علیه السلام) به عمل لقاح مایل بود ولی به آن نائل نمی‌شد که شاید

۱۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۷، چاپ پنجم (قم): دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، (۱۴۱۷)، ۳۲۲.

۱۲. سلطان محمود گنابادی، ترجمه بیان السعاده، ترجمه خانی رضا و حشمت‌الله ریاضی، جلد ۱۲ (تهران: انتشارات پیام نور، (۱۳۷۲)، ۲۹۶.

۱۳. سید عبدالحسین طیب، اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۱، چاپ دوم (تهران: انتشارات اسلام، (۱۳۷۸)، ۲۵۱.

۱۴. سید محمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، جلد ۱۴۱۴، چاپ اول (تهران: نشر لطفی، (۱۴۰۴ ق)، ۱۳۵.

۱۵. سید محمدابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، جلد ۶۶، چاپ ششم (تهران: انتشارات صدر، (۱۳۶۶)، ۴۰.

۱۶. محمد تقی تهرانی، تفسیر روان جاوید، جلد ۴، چاپ سوم (تهران: انتشارات برهان، (۱۳۹۸ ق)، ۴۷۲.

۱۷. محمد تقی مدرس، تفسیر هدایت، ترجمه احمد آرام، جلد ۱۱، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۳۷۷)، ۳۶۷-۳۷۱.

۱۸. محمدبن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن (تهران: نشر ناصر خسرو، (۱۳۶۴)، ۲۱۳-۲۱۶.

۱۹. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی (تهران: نشر صدر، (۱۴۱۵)، ۳۰۲-۳۰۵.

۲۰. سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن‌الحديث، جلد ۹، چاپ سوم (تهران: نشر بنیاد بعثت، (۱۳۷۷)، ۲۳۸.

به علت عدم تمکین همسرش بوده باشد. لذا سوگند یاد کرد که اگر خدا او را شفا داد صد تازیانه به همسرش بزند»<sup>۲۱</sup>. در *الکاشف* نیز تلویحاً به همین مسئله به عنوان دلیل خشم ایوب از همسرش اشاره شده است.<sup>۲۲</sup>

از طرف دیگر مطابق برخی روایات در توصیف چهره شیطان در هنگام برخورد با همسر ایوب آمده وقتی ابلیس نتوانست بر ایوب مسلط شود به صورت جوانی زیبارو نزد همسر او رفت و از وی خواست گوسفندی را نزد ایوب ببرد؛<sup>۲۳</sup> بنابراین به طور غیرمستقیم اشاره به جوانی و زیبایی ابلیس هنگام مواجهه با همسر ایوب می‌شود و البته ابتلای ایوب به بیماری‌های مختلف از جمله بیماری پوستی شدید، می‌تواند قرینه‌ای بر این تفسیر باشد.<sup>۲۴</sup>

### ۳-۵. باور تهمت ابلیس به همسر از سوی ایوب

در برخی تفاسیر آمده که پیش از حضور همسر ایوب نزد وی، شیطان در قالب رهگذر به ایوب خبر داد که زن تو در شهر دزدی کرده است و موی او را بریده‌اند؛ بنابراین ایوب با حالت دل‌شکسته وقتی موی کوتاه همسر را دید ناله کرد و گفت: «اگر تدرست باشم زن را صد چوب بزنم که مرا شرمنده کرد»؛<sup>۲۵</sup> بنابراین علت عصبانیت و به تبع آن قسم ایشان شرمندگی از فعل دزدی همسر بر اساس تهمت ابلیس است.

موضوع تهمت از سوی ابلیس صرفاً دزدی نیست، بلکه در پاره‌ای از تفاسیر چون تفسیر *سورآبادی* علت قسم ایوب تهمت زنا به همسرش از سوی ابلیس دانسته شده است. «در اخبار است که چون ایوب آن سوگند بخورد و رحمه را بدان افک متهم کرد، رحمه اندوهگین گشت. جبرئیل ایوب را خبر کرد که «آن ابلیس بود که تو را آن گفت، خواست که تو را در بزه افکند».<sup>۲۶</sup>

### ۳-۶. احتمال خیانت از سوی زوجه

در برخی تفاسیر مستقیماً به حضور و فریب‌دادن ابلیس در نزد ایوب اشاره نشده است؛ به نحوی که گویا خود پیامبر احتمال مسئله را می‌دهد. برای مثال در قول دوم از علل عصبانیت و در ادامه قسم به مجازات زوجه ایوب از قول سعید بن مسیب در *الجامع لأحكام القرآن*

۲۱. محمدجواد نجفی خمینی، تفسیر *آسان*، جلد ۱۷ (تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ ق)، ۵۳.

۲۲. محمدجواد مغنیه، تفسیر *الکاشف* (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق)، ۳۸.

۲۳. عباسعلی کامرانیان، جن، بررسی خلقت، زندگی و کارهای جنیان بر اساس آیات قرآن (قم: نشر نور قرآن و اهل‌البیت (ع)، ۱۳۸۹)، ۱۲۷.

۲۴. گناپادی، ترجمه *بیان السعادة*، ۱۲: ۳۶۹.

۲۵. سید ابوتراب صفایی آملی، *قصه‌های قرآن* (تهران: امیری، بی‌تا)، ۹۳.

۲۶. سورآبادی، تفسیر *سورآبادی*، ۳: ۲۱۳.

بازتفسیر مواجهه ایوب (ع) با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۸۱

چنین آمده که وقتی همسر ایوب (ع) با نان بیشتر نزد همسرش آمد، احتمال خیانت زوجه ایوب را برآشت و قسم خورد زنش را صد تازیانه بزند.<sup>۲۷</sup> مشابه همین تفسیر را آلوسی در روح المعانی به عنوان احتمال سوم عصبانیت ایوب آورده است.<sup>۲۸</sup>

### ۳-۷. دیر آمدن همسر به منزل، دلیل قسم ایوب

در مجمع‌البیان بازگشت دیر هنگام زوجه به عنوان دلیل احتمالی دوم عصبانیت ایوب آمده است.<sup>۲۹</sup> در روح المعانی نیز به عنوان احتمال اول خشم ایوب به همین نکته اشاره شده است.<sup>۳۰</sup>

### ۳-۸. خوانش ضرب به ضغث به مثابه استفاده از دسته‌ای گیاهان دارویی برای درمان ایوب

سید حسین نصر و همکاران در کتاب قرآن برای مطالعه؛ یک ترجمه و تفسیر نو با اشاره به داستان درخواست شیطان از همسر ایوب می‌گویند: این ماجرا و این مضمون در خود قرآن و حدیث پشتیبانی نمی‌شود. گرچه این نظر از این باب محرز است که متن قرآن هیچ اشاره‌ای به چنین ماجرای نمی‌کند، ولی از آنجا که این قصه در برخی روایات نقل شده، شاید منظور این نویسندگان آن باشد که روایات حاوی این داستان معتبر و قابل اتکا نیستند. به هر حال، ایشان تفسیر بدیلی را محتمل می‌دانند و می‌گویند: «ظاهراً مناسب‌تر آن است که ضغث را چنین بخوانیم که ارجاع به گیاهان یا برگ‌هایی دارد که بخشی از درمان ایوب بودند و لاتحنث را به مثابه یک دستور کلی تلقی کنیم که به او اطمینان می‌دهد در استفاده از این گیاهان، پیمانی را که با خداوند به سوگند بسته نمی‌شکند». گفتنی است بخش اخیر این خوانش، یعنی اخبار خداوند از این امر که «با چنین مداوایی، پیمانی را نمی‌شکنی»، این تصور را ایجاد می‌کند که شاید نصر و همکاران لاتحنث را نه به صیغه نهی و با سکون تاء، که به صیغه نفی یعنی به تاء مضمومه خوانده‌اند.<sup>۳۱</sup> همین تصور نویسندگان این مقاله را بر آن داشت تا به جستجوی قراءات احتمالی بروند که «تحنث» را نه به سکون تاء بلکه به ضمّه آن خوانده باشند که در قرائت‌های ده‌گانه چنین قرائتی یافت نشد.<sup>۳۲</sup>

۲۷. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۲۱۳-۲۱۶.

۲۸. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، جلد ۱۲ (بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۵)، ۲۰۰.

۲۹. محمود طالقانی، پرتویی از قرآن (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۵)، ۴۱۱.

۳۰. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۲: ۲۰۰.

31. Nasr S. H., *The study quran: a new translation and commentary* (Washington: Sophia publication, 2017), 2529-2530.

۳۲. جمال‌الدین محمدشرف، مصحف دارالصحابة فی القراءات العشر المتواترة من طریق الشاطبية والدرّة (قاهره: دارالصحابة للتراث بطنطا، ۱۴۲۵)، ۴۵۶.

### ۳-۹. عدم اشاره برخی تفاسیر به علت ناراحتی ایوب

در ترجمه *جوامع الجامع* آمده است: «همسرش در امری او را ناراحت کرده بود و ایوب علیه السلام سوگند یاد کرده بود که هرگاه خوب شود، صد تازیانه به او بزند». در اینجا اشاره روشنی به خطای همسر ایوب نشده است.<sup>۳۳</sup>

در *تفسیر اثنی عشری* آمده است که به ایوب خطاب شد: دسته‌ای از گیاهان خشک یا شاخه‌های باریک که شمارشان صد باشد به دست بگیر و یک بار همسرت را با آن زن تا سوگند را نشکسته باشی.<sup>۳۴</sup> در *تفسیر عاملی* نیز آمده است ایوب در حال تحمل آن مصیبت‌ها آزاری از سوی همسرش دید و همین سبب شد سوگند بخورد که او را بزند. این تفسیر قرینۀ «لاتحنث» و «اضرب» را دال بر این می‌داند که ایوب سوگند به زدن او گرفته بوده است.<sup>۳۵</sup> سید قطب نیز در تفسیر این بخش از آیه به هیچ علتی جهت تبیین دلیل قسم ایوب اشاره نکرده است.<sup>۳۶</sup> در *التحریر و التتویر* نیز صراحتاً آمده است هیچ خبر صحیحی برای تعیین علت عصبانیت ایوب از همسرش نداریم.<sup>۳۷</sup>

### ۴. ارائه یک تفسیر جایگزین با تأکید بر بازتفسیر واژه «حنث»

اینکه پیغمبری سوگند خورد همسرش را صد تازیانه بزند، در منطق آیات قرآن وجود ندارد. در سوره انبیاء از آیه ۸۳ به بعد و نیز در سوره مبارکه ص جریان ایوب آمده است، ولی هیچ اشاره‌ای به این موضوع که همسرش خطایی کرده و او چنین قسمی خورده باشد نیامده است. در خود آیه ۴۴ ص هم آمده است که «فَأَضْرِبْ يَه»؛ «به وسیله آن بزن». در آیه نیامده است که همسرت را بزن. پس چگونه اسم همسر ایوب علیه السلام در تفسیر این آیه پیدا شده؟ تکیه مفسران به روایت‌هایی است که درباره این موضوع آمده است. به همین جهت لازم است دلالت و سند روایاتی که در منابع تفسیری وجود دارد مورد بررسی قرار گیرد، چراکه اگر روایتی که از جهت سند و دلالت تمام باشد آیه‌ای را تفسیر نماید بدون اشکال مورد پذیرش قرار می‌گیرد، ولی اگر از این جهات، اشکال غیر قابل دفعی در روایتی باشد، نمی‌توان آن را به منزله معیار تفسیر آیه قبول نمود. روشن است این روایات چیزی خارج از آیه و خلاف ظاهر و سیاق آیه به‌عنوان

۳۳. فضل بن حسن طبرسی، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه حبیب روحانی، جلد ۵، چاپ دوم (مشهد): انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۳۷۷)، ۳۴۱.

۳۴. حسین بن احمد حسینی شاه‌عبدالعظیمی، *تفسیر اثنی عشری*، جلد ۱۱، چاپ اول (تهران): انتشارات میقات، (۱۳۶۳)، ۲۰۳.

۳۵. ابراهیم عاملی، *تفسیر عاملی*، جلد ۷ (تهران): انتشارات صدوق، (۱۳۶۰)، ۳۲۷.

۳۶. ابن ابراهیم شاذلی سید قطب، *فی الظل السلطان القرآن* (بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق)، ۲۳-۳۰.

۳۷. محمد بن طاهر ابن عاشور، *التحریر و التتویر* (بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰)، ۱۶۸-۱۶۹.

بازتفسیر مواجهه ایوب (علیه السلام) با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۸۳  
مقصود آیه بیان نموده‌اند. از همین رو به بررسی آنها می‌پردازیم.

#### ۴-۱. عرضه تفاسیر به اصل عصمت انبیا

تفاسیر در ذیل آیه ۴۴ سوره ص با مبانی شیعه قابل‌پذیرش نیست چراکه عصمت ایوب را زیر سؤال می‌برد. شیعه بر این باور است که پیامبران در تمامی شئون مذکور، از عصمت برخوردارند و از هر آنچه مایه نفرت و دوری مردم از آنها باشد، مصون هستند.<sup>۳۸</sup> لذا عدم عصمت انبیاء، مستلزم پیروی از دو امر متضاد است؛ چراکه «اگر فرض کنیم پیامبر، معصوم از گناه نیست و احیاناً مرتکب عمل خلافی گردیده، به حکم اینکه متابعت از او لازم است، باید در این عمل نیز از او پیروی شود؛ درحالی‌که پیروی از او در این عمل به این معناست که خداوند، بندگان خود را دعوت به انجام گناه کند! که در نادرستی آن، جای کلام نیست».<sup>۳۹</sup>

در نتیجه صدور قبیح (گمان بد به همسر و تعیین مجازات قبل از سؤال و تفحص از ایوب) به‌عنوان یکی از انبیای الهی به دلیل لزوم وجود ملکه عصمت، محال یا بعید است. مضاف بر اینکه برخی با استناد به عبارت «أَتَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ بُنْصَبٍ وَعَدَابٍ»<sup>۴۰</sup> به تأثیر شیطان در وجود ایوب اشاره کرده و در عصمتش تشکیک کرده‌اند. دلیل آنها این است که براساس آیه مذکور، ایوب بر اثر مس شیطان گرفتار رنج شده بود و تأثیر شیطان با عصمت سازگار نیست. در پاسخ گفته شده که شیطان بر نفس ایوب تسلط نداشته تا به عصمتش خللی وارد کند؛ بلکه در بدن، اموال و اولادش تأثیر گذاشته است؛ چراکه بر اساس آیه «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»؛ «همانا تو (شیطان) را بر بندگان من تسلط نیستی» شیطان بر بندگان خدا تسلط ندارد و بر اساس آیه ۴۱ سوره ص، ایوب بنده خدا بوده است.<sup>۴۱</sup> همچنین در کتاب تنزیه الانبیاء از عصمت ایوب بحث شده است.<sup>۴۲</sup>

همچنین با استناد به آیه ۵۲ حج «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْفَى الشَّيْطَانَ فِي أَمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» که دلالت بر نسخ القئات شیطانی در دل انبیا و رسل توسط خداوند متعال دارد، می‌توان گفت

۳۸. طالقانی، پرتویی از قرآن، ۴۱۱.

۳۹. جعفر سبحانی، منشور جاوید، جلد ۱۰ (تهران: انتشارات توحید، بی‌تا)، ۱۵۴؛ و حسن بن یوسف حلّی، الباب الحادی عشر (تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل، ۱۳۶۵)، ۳۷.

۴۰. ص، آیه ۴۱.

۴۱. عبدالله نصری، مبانی رسالت انبیا در قرآن (تهران: سروش، ۱۳۸۸)، ۲۶۰-۲۶۱.

۴۲. سید مرتضی علم‌الهدی، تنزیه الانبیا (قم: الشریف الرضی، ۱۲۵۰ ق)، ۵۹-۶۴.

خداوند از تأثیر شیطان در اراده و تصمیمات انبیاء و رسل جلوگیری می‌کند.<sup>۴۳</sup>

#### ۴-۲. بررسی سندی روایات تفسیری آیه ۴۴ سوره ص

همه روایات ذیل آیه ۴۴ سوره ص که مربوط تبیبه همسر یعقوب و داستان‌های مربوط به آن ماجراست از جهت سندی دچار ایراد هستند؛ برای مثال طبرسی روایت را نه از معصوم بلکه از ابن عباس نقل نموده است و ابن عباس نیز الزاماً تمام گفته‌هایش در تفسیر آیات از پیامبر یا امام علی (علیه السلام) نیست؛ بنابراین این روایت فی نفسه ارزشی ندارد، زیرا به معصوم منتهی نمی‌شود. گذشته از این راویان دیگر احادیث نیز مجهول‌اند؛ یعنی واسطه بین طبرسی تا ابن عباس در سند افتاده است و لذا حدیث مرفوعه بوده در نتیجه از جهت سند ضعیف است. علامه طباطبایی نیز از البرهان و تفسیر قمی روایت را نقل نموده است. مراد المیزان از روایت قمی همان روایتی است که به ضعف‌های سندی و محتوایی آن اشاره شد.

البرهان نیز همان روایت تفسیر قمی را نقل نموده که البته ضعیف است. روایتی که علی بن ابراهیم قمی در تفسیر قمی نقل می‌کند از نظر سند قابل پذیرش نیست چراکه سند روایت او چنین است که ایشان از پدرش ابراهیم بن هاشم و او از ابن فضال و او از عبدالله بن بحر از ابن مسکان از امام صادق روایت را نقل نموده‌اند. در این میان عبدالله بن بحر در هیچ کتاب رجالی توثیق نشده و در برخی کتب رجالی تضعیف و متهم به غلو گردیده است. ابن الغضائری در مورد این راوی می‌نویسد: ضعیف و مرتفع القول است؛ یعنی کسی است که سخنش بی‌ارزش است و کلامش قابل اعتماد نیست.<sup>۴۴</sup> وانگهی، بر پایه روایتی، ماجرای سوگند ایوب مربوط به پس از شفای او است، گرچه در معتبر بودن این روایت به جهت تناقض با باورهای شیعه درباره عصمت پیامبران، تعارض با دیگر روایات، پیش‌داوری ایوب و نیز مجهول بودن یکی از راویان آن تردید شده است.<sup>۴۵</sup>

همچنین می‌توان گفت کلمه «إِنَّا» در عبارت «انا وجدناه صابرا» در آیه، استیناف بیانی است؛ یعنی سخن در اینجا تازه می‌شود و آغازی دیگر می‌یابد که البته بی‌ربط به گزاره ماقبلش در همین آیه که شامل دستور لاتحنث است، نمی‌باشد و این آغاز همان تعلیل نحوی است. گویا در پاسخ کسی که می‌پرسد: چرا خدای متعال به او گفت که بزن بر مردگان تا زنده شوند؟

۴۳. امیراحمدنژاد و دیگران، «نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر آیه ۴۴ سوره ص و تازیانه زدن ایوب به همسرش»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۹۴): ۱۱۷.

۴۴. سید محمدرضا حسینی جلالی، الرجال لاین الغضائری، جلد ۱، چاپ اول (قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰)، ۷۶.

۴۵. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، تصحیح: طیب موسی جزایری، جلد ۲ (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ۲۳۹-۲۴۲.

بازتفسیر مواجهه ایوب (عَلَيْهِ) با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۸۵

گفته شده: زیرا ما او را صابر یافته‌ایم و این جزای صبر او است.

#### ۴-۳. توجه به قرینه مقامیه در تفسیر آیه ۴۴ سوره ص

ابتدا باید جریان یک سوره را مقام‌شناسی کرد یعنی دید که سوره در چه مقامی نازل شده و چه سمت و سویی دارد. در دو سوره انبیاء و ص، ایوب تجسم صبر معرفی شده، پس چگونه ممکن است او با شنیدن یک سخن یا رفتار از همسرش این قدر عجولانه قضاوت کرده و بگوید صد تازیانه به تو خواهم زد؟ در واقع همین آیه ۴۴ سوره مبارکه ص نیز گویای صبر اوست.

#### ۴-۴. شباهت بخشی از داستان ایوب به داستان بنی اسرائیل

به نظر می‌رسد این آیه، مشابه تفسیر جریان مقتول بنی اسرائیل در سوره بقره باشد. در آیه ۷۳ سوره بقره، در فراز نهایی از گزارش جریان مقتول بنی اسرائیل در تفاسیر اختلافاتی هست؛ اما اجمال داستان به این صورت است که فردی به قتل رسیده بود و بر سر شناسایی قاتل او اختلاف وجود داشت. موسی (عَلَيْهِ) دستور داد گاوی را ذبح کنند و قسمتی از بدن آن را به بدن مقتول بزنند تا زنده شود و خود، قاتل را معرفی کند.<sup>۴۶</sup> خداوند می‌فرماید بعد از اینکه دستور پیامبر را انجام دادند و آن گاو با خصوصیات نادر را فراهم و ذبح کردند: «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا»؛ «گفتیم بزنیید به مقتول بعضی و تکه‌ای از این گاو را». ضمیر مفعولی در «اضْرِبُوهُ» به نفس مقتول (آیه قبل) برمی‌گردد و چون به نفس برمی‌گردد، باید مؤنث می‌آمد؛ اما به اعتبار به اینکه این نفس (مقتول) مذکر بوده است و یا به اعتبار شخص این ضمیر را مذکر آورده است. درحالی‌که می‌توانست چون نفس مؤنث است، آن را مؤنث (ها) بیاورد، اما اگر ضمیر را مؤنث می‌آورد، مشخص نمی‌شد که در اینجا مضروب کدام است. در گزارش آمده که تکه‌ای از بدن گاو را به مقتول (مضروب) زدند؛ پس ضمیر مذکر به آن مضروب (همان مردی که مرده بوده است) و ضمیر در «بَعْضِهَا» به همان بقره مذبوحه برمی‌گردد.

همچنین در بخش «كَذَلِكَ يَحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى»، «كَذَلِكَ» در کلام، ایجاز حذف وجود دارد که به قرینه «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا» حذف شده است، «فَضْرَبُوهُ»؛ «که اینها زدند و این مقتول زنده شد» و «اینچنین خدای سبحان، زنده می‌کند مردگان را». در واقع (ک) در ابتدای «كَذَلِكَ» به جای اسم نشسته و به معنای مثل است؛ که صفت واقع می‌شود از یک

۴۶. بقره، آیات ۶۷-۷۳.

مفعول مطلق محذوف که می‌توان گفت، نائب مفعول مطلق است. «كَذَلِكَ» یعنی «يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ أَحْيَاءً مِثْلَ ذَلِكَ»، سایر مردگان را هم خدا این چنین زنده می‌کند. این نشان‌دهنده آن است که خداوند متعال قصد جدی‌اش بر زنده کردن جمیع مردگان است.

بنابراین از اهداف اصلی آیه این است که این صورت خداوند زنده شدن مردگان را اثبات کند. چون بحث اعاده مردگان و معاد همواره در تاریخ، جای شبهه و سؤال و انکار بوده است. مشابه جریان آیه ۷۳ سوره مبارکه بقره، در سوره مبارکه ص هم در جریان ایوب آمده است. شباهت این دو جریان در این است که همان‌طور که در جریان بقره بنی‌اسرائیل با زدن تکه‌ای از گوشت گاو به بدن مرده، مرده زنده شده و قاتل خود را معرفی می‌کند در جریان ایوب نیز که در امتحان الهی فرزندان او مرده‌اند و کسی امید زنده شدن را ندارد، با زدن دسته‌ای از چیده‌ها بر بدن یا قبر یا استخوان فرزندان به وسیله ایوب، آنها زنده می‌شوند. پس از آنکه خداوند نعمات خود را برای ایوب می‌شمارد، در آیه ۴۴ سوره ص می‌فرماید: «وَتُخَذُ بِبَدِكِ ضَغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ». فراهیدی «حنث» را گناه بزرگ معنا می‌کند.<sup>۴۷</sup> از سوی دیگر الفراء در معانی القرآن الحنث العظیم در آیه ۴۶ سوره واقعه را «الشرك» معنا می‌کند.<sup>۴۸</sup> همچنین راغب در معنای «الحنث العظیم» در آیه ۴۶ واقعه می‌گوید: «أى الذنب المؤثم» سپس ادامه می‌دهد: «به همین خاطر الیمین الغموس (سوگند دروغ) حنث نامیده شده و حنث در سوگند به معنای وفا نکردن به آن است».<sup>۴۹</sup> این رأی از آن جهت بسیار مهم است که معنای محوری حنث را گناه (بزرگ) دانسته و به نحوی، شکستن سوگند را یک معنای فرعی برای حنث تلقی کرده است.

همچنین طریحی در مجمع‌البحرین در معنای حنث می‌گوید: «الذنب، وقيل الشرك، وقيل الاثم» ولی همو ذیل عبارت قرآنی «فاضرب به ولا تحنث» متأثر از تفاسیر و روایات، لا تحنث را نهی از شکستن سوگند ایوب به زدن صد تازیانه به همسرش و جایگزینی آن با ضرب ضغث معنا می‌کند.<sup>۵۰</sup> بنابراین، آنچه از واژه‌شناسی «حنث» در کتب لغت یا تفاسیر لغوی قدیم و جدید هویدا می‌شود آن است که «شکستن سوگند» نه معنای اصلی یا محوری این واژه، بلکه یکی از معانی و ای‌بسا مصادیق آن است، چنانکه شرک نیز معنا و مصداق دیگری از آن دانسته شده است. ولی چون این واژه بیشتر در مورد شکستن قسم و مخالفت عهد و نذر به کار می‌رود،

۴۷. الخلیل ابن احمد الفراهیدی، العین، (بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰م)، ۲۰۶.

۴۸. یحیی بن زیاد الفراء، معانی القرآن، الطبعة الاولى (قاهره: دار المصریة للتألیف والترجمة، ۱۹۵۵م)، ۱۲۷.

۴۹. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن (قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴)، ۱۳۳.

۵۰. فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع‌البحرین، جلد ۳ (قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)، ۱۲۱.

بازتفسیر مواجهه ایوب (عَلَيْهِ) با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۸۷

مفسران بعد از دیدن روایات به این نتیجه رسیده‌اند که ایوب چنین سوگندی خورده است. بنابراین حنث در لغت به معنای گناه است نه شکستن قسم و در قرآن نیز به معنای گناه آمده است و در واقع از ایوب درخواست می‌شود که گناه بزرگ را مرتکب نشود.

واژه «حنث» دو بار در قرآن آمده؛ در آیه مورد بحث به صورت فعل آمده و در آیه ۴۶ سوره واقعه نیز به صورت اسم و به معنای گناه آمده است. در این آیه، نسبت به اصحاب شمال که مشرکان عصر پیغمبر و عصرهای پیشین هستند دو گناه مهم مرکز توجه قرار گرفته است: ۱. *إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ*<sup>۵۱</sup> «وَكَانُوا يَصْرُونَ عَلَى الْجَنِّ الْعَظِيمِ»<sup>۵۲</sup>. معنای «الْجَنِّ» گناه و مخالفت با امر و نهی است. این گناه بزرگ در آیه ۴۷ همین سوره «وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدًا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ»<sup>۵۳</sup> تبیین شده است و لفظ «كَانُوا» که در هر دو آیه بر فعل مضارع «يُصْرُونَ» و «يقولون» وارد شده، معنای فعل مضارع را به ماضی استمراری تبدیل می‌کند؛ در نتیجه معنای آیه این است که اصحاب شمال، اصرار بر یک گناه بزرگ داشتند. تبیین آن گناه بزرگ در آیه بعد آمده است؛ آنها همواره منکر معاد بودند. حتی کسانی که حنث را در اینجا به معنای قسم گرفته‌اند مرادشان قسم خوردن به عدم امکان معاد و بعث از قبور بوده است چنانکه طبرسی بعد از اینکه حنث را به گناه معنا نموده می‌نویسد: گفته شده اصحاب شمال قسم می‌خوردند که خداوند مردگان را از قبور مبعوث نمی‌کند<sup>۵۴</sup>. حال در داستان ایوب هم چنین است و عبارت «الْجَنِّ» در آیه ۴۴ سوره ص هم به همان معنایی است که در لغت و در سوره واقعه آمده است. «لا تحنث» یعنی گناه بزرگ را مرتکب نشو و معتقد نشو که مرده زنده نمی‌شود، زیرا چنانکه گذشت حنث در لغت به معنای گناه بزرگ است. خداوند به جهت امتحان، فرزندان و بستگان و همه خدم و حشم او را گرفته بود، همان‌طور که در آیه ۴۳ سوره مبارکه ص می‌فرماید، ما اهل او و حتی مثل آنها را به او دادیم و خدم و حشم او را زنده کردیم. اما این مضمون زنده نمودن علاوه بر خود آیه ۴۴ ص از روایات معتبر نیز استفاده می‌شود. گرچه محور بحث در تفسیر آیه ۴۴ سوره ص و تفسیر قرآن به قرآن است، لکن روایاتی که در ذیل به آن اشاره می‌شود تنها از باب تأیید بوده و نه ارائه دلیل مستقل؛ از این رو نباید اشکال شود که خود همین روایات نیز مانند دیگر روایات از ضعف سندی برخوردارند. ناگفته نماند روایات زیر تنها ضعف سندی داشته و از حیث دلالت بر خلاف هیچ

۵۱. واقعه، آیه ۴۵.

۵۲. واقعه، آیه ۴۶.

۵۳. واقعه، آیه ۴۷.

۵۴. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۹: ۳۳۴.

عقیده و حکم عقلی نیستند. در روایتی که علی بن ابراهیم از امام صادق ع نقل نموده چنین آمده: حدثنا محمد بن جعفر قال حدثنا محمد بن عیسی بن زیاد عن الحسن بن علی بن فضال عن عبدالله بن بکیر و غیره عن ابي عبدالله ع: فی قول الله: «و آتیناه اهلہ و مثلهم معهم» قال أحياء الله له أهلہ الذين كانوا قبل البلیة و أحياء له أهلہ الذين ماتوا و هو فی البلیة».<sup>۵۵</sup> این روایت که بیانگر زنده نمودن فرزندان ایوب است علاوه بر اعتماد علی بن ابراهیم، مورد اعتماد بیشتر مفسرین از جمله شیخ طوسی و طبرسی است.

شیخ طوسی از ابن مسعود، ابن عباس، حسن و قتاده، زنده نمودن اهلش که مرده بودند را نقل نموده و از عکرمه و مجاهد نقل نموده که ایوب مخیر شد پس زنده شدن اهلش را در آخرت و همانند اهلش را در دنیا خواست و خداوند نیز همان را که خواست به او داد و از ابن عباس نیز نقل نموده که هرچه از یعقوب که از بین رفته بود خداوند دو برابر به او داد.<sup>۵۶</sup> همین نقل‌ها را طبرسی ذکر نموده و به روایت امام صادق بر زنده نمودن اهلش تصریح می‌کند.<sup>۵۷</sup>

اما در توضیح چگونگی زنده کردن آنها در آیه ۴۴ سوره ص (مانند جریان مقتول بنی اسرائیل) می‌فرماید: یک دسته از این خوشه‌ها را بگیر و به وسیله آن بز، اما متعلق این ضرب را نیاورده که به زنت بز یا اینکه به آن پیکرهای بی جان بز. ولی به قرینه آیه ۴۳ معلوم است که می‌گوید به اهل خود (آن فرزندان و بستگان که از تو مرده‌اند) بز. پس این آیه شریفه در حقیقت روش هبه خداوند است و این را بیان می‌کند که چگونه آن مردگان زنده شده‌اند. در نتیجه «لا تحنت» یعنی خیال نکن که مردگان زنده نمی‌شوند. برای مثال مطابق آیه ۲۶۰ سوره بقره نیز ابراهیم (علیه السلام) از پیامبران اولوالعزم نیز علی‌رغم ایمان به زنده شدن مردگان در قیامت صرفاً برای اطمینان قلبی از خداوند تقاضای مشاهده کردن زنده شدن مردگان را کرد و بنا بر تفسیر علامه طباطبایی در ذیل همین آیه در دیدن اثری است که در دانستن نیست؛<sup>۵۸</sup> بنابراین مطالبه مشاهده فرایند احیای مردگان از پیامبران دیگری چون ابراهیم نبی<sup>۵۹</sup> و عزیر نبی<sup>۶۰</sup> نیز صورت گرفته و عجیب نیست که این بار خداوند خواسته باشد پیامبر دیگری یعنی ایوب را به یقین رهنمون کند؛ هرچند در قرآن تصریحی بر تقاضای ایوب همچون درخواست ابراهیم

۵۵. قمی، تفسیر قمی، ۲: ۷۴.

۵۶. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۷ (قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۳۸۸)، ۲۷۱.

۵۷. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۷: ۹۴.

۵۸. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۲، چاپ پنجم (قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین

حوزه علمیه، ۱۶۱۷)، ۵۲۲.

۵۹. بقره، آیه ۲۶۰.

۶۰. بقره، آیه ۲۵۹.

بازتفسیر مواجهه ایوب عَلَيْهِ السَّلَامُ با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۸۹

صورت نگرفته است و این معنا با توجه به قرائن و سیاق آیه و قسمت انتهایی آیه ۴۴ که می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» سازگارتر است.

## ۵. نتیجه‌گیری

خداوند ایوب را به سه صفت مهم، یعنی مقام عبودیت، صبوربودن و بازگشت پیاپی به سوی خدا وصف کرده است. همچنین قرآن ایوب و سلیمان را نعم العبد<sup>۶۱</sup> خوانده است، زیرا در حال شکرگزار بودند. همچنین ایوب از سلسله پیامبران ابراهیمی است، زیرا از ذریه آن حضرت و از نیکوکاران است.<sup>۶۲</sup> او از هدایت ویژه الهی که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأموریت یافت از آن پیروی کند، برخوردار است<sup>۶۳</sup> و از پیامبرانی است که قرآن از وحی به آنان به‌طور ویژه سخن گفته است.<sup>۶۴</sup> اما با وجود اتصاف ایوب به چنین صفاتی در قرآن و برخورداری او از این مقام‌ها، غالب مفسرین در تفسیر آیه ۴۴ سوره ص، متأثر از برخی روایات و بعضاً بدون در نظر گرفتن تمام آیاتی که شخصیت او را تبیین می‌کنند، از او تصویر مردی را آفریده‌اند که عجولانه قضاوت می‌کند، گمان بد می‌برد و بر علیه همسر وفادارش قصد خشونت می‌نماید، چنان که خداوند از باب رحمانیت خود برای نجات وی از نتیجه قضاوت نابجایش راه حلی را برای تغییر نحوه اجرای سوگند خود مبنی بر تشبیه همسرش به وی وحی می‌کند؛ اما چگونه از پیامبری که با توصیف رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بردبارترین مردم و شکیباترین مردمان بوده است و بیش از همه مردم خشمش را فرو می‌خورده،<sup>۶۵</sup> قضاوت عجولانه، بدون بررسی و راستی‌آزمایی آن را می‌توان پذیرفت؟

بر خلاف عهد عتیق که درون‌مایه‌هایی از ناصبوری ایوب را روایت می‌کند،<sup>۶۶</sup> قرآن این پیامبر را اسوه بردباری و توکل و ایمان معرفی می‌نماید و از این رو نمی‌توان درون‌مایه‌های برخی روایات مورد استناد در تفاسیر را در مواجهه او با همسرش مورد اعتنا قرار داد، چراکه بیشتر با شخصیت این پیامبر در عهد عتیق تناسب دارند تا آنکه موافق قرآن باشند. برای مثال ابن‌عقیله مکی در *الزبایده و الاحسان فی علوم القرآن* مواردی را ذکر می‌کند که برخی فقهای اهل سنت با آیه ۴۴ سوره ص به‌مثابه یکی از آیات الاحکام -جواز زدن یک تازیانه به جای چندین تازیانه-

۶۱. ص، آیه ۳۰.

۶۲. انعام، آیه ۸۴.

۶۳. انعام، آیه ۹۰.

۶۴. نساء، آیه ۱۶۳.

۶۵. محمد مهدی ری‌شهری، *میزان الحکمه*، جلد ۱۱ (قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۶)، ۳۸۱.

۶۶. قاسم هاشمی‌نژاد، *کتاب ایوب*، منظومه‌آلام و محنت‌های او از عهد عتیق (تهران: هرمس، ۱۳۹۹)، ۱۲.

برخورد کرده‌اند.<sup>۶۷</sup> مکی ذیل داستان ایوب می‌گوید زن این پیامبر، در زمره «الاخیار الصابرات الراضیات» بود و چون بیماری ایوب وخیم شد پیشنهاد کرد که خویشتن را به‌گونه‌ای مداوا کند، ولی ایوب که می‌دانست بیماری‌اش ابتلاء الهی است خشمگین شد و سوگند خورد او را صد تازیانه بزند. جالب است که محقق این مجلد از این اثر ده‌جلدی، مصلح عبدالکریم السامدی، در پاورقی ذیل این عبارت مؤلف که «جز زنش کسی نبود که خدمتش را بکند» می‌گوید (با مراجعه به کتب تفسیر درمی‌یابیم [برخی از اجزای] داستان ابتلای ایوب با منصب نبوت نمی‌خواند زیرا انبیا منزله از بیماری‌هایی اند که مردم را از آنها متنفر می‌سازد). در همین راستا از تفسیر مرآعی نقل می‌کند که: «همه این موارد از اسرائیلیات‌اند و بایسته است آنها را دروغ بینگاریم؛ چراکه سند صحیحی آنها را تأیید نمی‌کند».<sup>۶۸</sup> اما جالب آنکه نه مؤلف این کتاب و نه محقق آن، هیچ‌کدام نمی‌گویند آیا اگر پیامبری که اسوه شکیبایی و رجوع بی‌امان به خداوند است، چنان غضبناک شود که چنین همسر خدمتگزار و رنج‌کشیده‌ای را تنها به سبب یک پیشنهاد معمولی - چون در اینجا مکی نمی‌گوید او پیغام شیطان را رسانده - وعید بدهد که او را صد تازیانه خواهد زد، این امر با منصب نبوت تعارض دارد یا خیر.

این پژوهش، آیه ۴۴ سوره صاد را چنین تفسیر می‌نماید که خداوند فرموده است (ای ایوب) آن دسته ساقه‌ها را بگیر و به آن پیکرهای بی‌جان بزن (تا به اذن خداوند زنده شوند) و نسبت به قدرت پروردگارت برای احیای مردگان تردید روا مدار و ای بسا بتوان گفت تردید در قدرت خداوند بر احیای مردگان گناه محتملی است که ایوب به هدایت الهی از آن برکنار مانده است. بنابراین در این تفسیر جایگزین، مسئله خشونت خانگی مشروع ولو به شکل نمادین وجود ندارد و برخی از درون‌مایه‌هایی که در برخی از تفاسیر بررسی شده از این آیه در طعن به عصمت انبیا مشاهده می‌شوند نیز مرتفع می‌گردند. البته ممکن است برخی به این تفسیر جایگزین چنین اشکال کنند که با این خوانش، می‌بایست آیه ۴۴ پیش از آیه ۴۳ می‌آمد؛ یعنی ابتدا گفته می‌شد با این دسته از علف‌ها یا چوب‌ها به مردگان بزن تا زنده شوند، سپس می‌فرمود خانواده‌اش را به او بازگردانیم. در پاسخ باید گفت: هر دو آیه، به لحاظ دستور زبان خبر است و ارتباط این آیه با آیه قبل این است که در آیه ۴۳ خبر از بازگرداندن خانواده داده و در آیه ۴۴ شیوه بازگرداندن را بیان نموده است، چراکه با بیان بازگرداندن، این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که چگونه آنها را برگردانده و چگونه آنها زنده شده‌اند، درحالی‌که مرده بودند.

۶۷. ابن عقیله المکی، الزیاده والاحسان فی علوم القرآن، جلد ۴ (شارقه: جامعه شارقه، ۱۴۲۷)، ۴۶۳.

۶۸. المکی، الزیاده والاحسان فی علوم القرآن، ۷: ۲۱۴.

همچنین در آیه دوم بیان می‌کند که زنده کردن آنها در برابر صبر ایوب بوده است. در حقیقت آیه دوم تبیین و تکمیل آیه اول است و در قرآن کریم نمونه فراوان دارد؛ مانند آنچه در سوره اعراف آمده است که نخست، سخن از عذاب بسیار سخت بنی اسرائیل به میان آمده است: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَيِّنٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ «پس چون پندی را که به آنان داده شد، فراموش کردند [در لحظه نزول عذاب] پنددهندگان که مردم را از بدی‌ها باز می‌داشتند، نجات دادیم و آنان را که ستم کردند به کیفر آنکه همواره نافرمانی می‌کردند، به عذابی سخت گرفتیم».<sup>۶۹</sup> سپس در پی این خبر سؤالی ایجاد می‌شود که آن عذاب شدید چه بوده است که در آیه بعد خبر دوم را داده تا این پرسش را پاسخ دهد و چنین پاسخ داده می‌شود که عذاب اینگونه بوده که وقتی آنها سرکشی کردند ما آنها را به بوزینه تبدیل نمودیم: «فَلَمَّا عَتَوْا عَمَّا نُهَوْا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ»؛ «و هنگامی که از آنچه نهی شدند سرکشی کردند، به آنان گفتیم: به شکل بوزینگانی رانده شده درآید».<sup>۷۰</sup> یک نمونه مشابه دیگر آیات ۷۲ و ۷۳ سوره بقره است که در همین مقاله بحث شده‌اند. همچنین باید گفت این اشکال از این مفروض ناشی می‌شود که دو آیه ۴۳ و ۴۴ دو اتفاق در یک خط زمانی انگاشته شده‌اند که ضرورتاً باید در یک تعاقب اتفاق افتاده باشند، در صورتی که دلیلی بر قطعیت چنین تصویری نداریم. ضمناً، می‌توان در سیاق آیات ۴۲ تا ۴۴ که مربوط به ذکر داستان ایوب در این سوره‌اند، عنوان کرد که بسیار پذیرفتنی‌تر است که دستور «و اضرب» در ابتدای آیه ۴۴ عطف به امر «و اركض» در آیه ۴۲ باشد تا عطف به خبر «و وهبنا» در آیه ۴۳ و این برداشت ضرورت تعاقب زمانی انگاشته شده را تضعیف می‌کند.

۶۹. اعراف، آیه ۱۶۵.

۷۰. اعراف، آیه ۱۶۶.

## سیاهه منابع

### الف- منابع فارسی:

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶.
- عهد قدیم. ترجمه پیروز سیار. تهران: نشر نی، ۱۳۹۷.
- آلوسی، سید محمود. روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۵.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰.
- احمدنژاد، امیر، مهدی مطیع، و زهرا کلباسی. «نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر آیه ۴۴ سوره ص و تازیانه زدن ایوب به همسرش»، آموزه های قرآنی، شماره ۲۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴).
- اصفهانى، سیده نصرت امین. مخزن العرفان در تفسیر قرآن. جلد ۱۱. تهران: نشر نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
- امینی، مریم. کتاب رنج، کند کاوی در متاب ایوب. تهران: فرهامه، ۱۳۹۹.
- بابایی، علی اکبر. روش شناسی تفسیر قرآن. جلد ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. تفسیر جامع. جلد ۶. تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶.
- ثقفی تهرانی، محمد. تفسیر روان جاوید. جلد ۴. تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق.
- حسینی جلالی، سید محمدرضا. الرجال لابن الغضائری. جلد ۱. قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. تفسیر اثنی عشری. جلد ۱۱. تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. انوار درخشان. جلد ۱۴. تهران: نشر لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- حلی، حسن بن یوسف. الباب الحادی عشر. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگ گیل، ۱۳۶۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات ألفاظ القرآن. چاپ دوم. قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد. کشف الاسرار و عده الابرار. جلد ۸. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ری شهری، محمد مهدی. میزان الحکمه. جلد ۱۱. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۶.
- سبحانی، جعفر. منشور جاوید. جلد ۱۰. تهران: انتشارات توحید، [بی تا].
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد. تفسیر سورآبادی. جلد ۳. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
- سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی. فی ضلال القرآن. بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. تفسیر شریف لاهیجی. جلد ۳. تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
- صفایی آملی، سید ابوتراب. قصه های قرآن. تهران: امیری، [بی تا].
- طالقانی، محمود. بر تویی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۵.

- بازتفسیر مواجهه ایوب علیه السلام با همسرش در قرآن با تمرکز بر ... / خدادادی، باجلانی و بدره ۱۹۳
- طباطبایی، سید محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱۷. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
- طبرسی، فضل بن حسن. *تفسیر جوامع الجامع*. ترجمه حبیب روحانی. جلد ۵. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. *جامع البیان فی التفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. *مجمع البحرین*. جلد ۳. به کوشش: احمد حسینی و محمود عادل. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- طیب، سید عبدالحسین. *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱۱. تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- عاملی، ابراهیم. *تفسیر عاملی*. جلد ۷. تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
- علم الهدی، سید مرتضی. *تنزیه الانبیاء*. قم: الشریف الرضی، ۱۲۵۰ ق.
- الفراء، یحیی بن زیاد. *معانی القرآن، الطبعة الاولى*. جلد ۳. قاهره: دار المصریة للتألیف والترجمة، ۱۹۵۵ م.
- الفراهیدی، الخلیل ابن احمد. *العین*. جلد ۳، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰ م.
- فیض کاشانی، ملامحسن. *تفسیر الصافی*. تهران: نشر صدر، ۱۴۱۵.
- قرشی، سید علی اکبر. *تفسیر احسن الحدیث*. جلد ۹. تهران: نشر بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قرطبی، محمد بن احمد. *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- قمی، علی بن ابراهیم. *تفسیر قمی*. تصحیح: طیب موسی جزایری. جلد ۲. قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کاشانی، ملا فتح الله. *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. جلد ۸. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
- کامرانیان، عباسعلی. *جن، بررسی خلقت، زندگی و کارهای جنیان بر اساس آیات قرآن*. قم: نشر نور قرآن و اهل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۹.
- گنابادی، سلطان محمود. *ترجمه بیان السعادة*. ترجمه محمد رضاخانی و حشمت الله ریاضی. جلد ۱۲. تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۷۲.
- محمدشرف، جمال الدین. *مصحف دارالصحابه فی القراءات العشر المتواترة من طریق الشاطبية والدرة*. قاهره: دارالصحابه للتراث بطنطا، ۱۴۲۵.
- مدرسی، محمد تقی. *تفسیر هدایت*. ترجمه احمد آرام. جلد ۱۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- مغنیه، محمد جواد. *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*. جلد ۱۹. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۹۴ دین و دنیای معاصر / سال ۱۰ / شماره ۱ / پیاپی ۱۸ / صص ۱۷۵-۱۹۴

- المکی، ابن عقيله. الزیاده والاحسان فی علوم القرآن. جلد ۴. شارقه: جامعه شارقه، ۱۴۲۷.
- المکی، ابن عقيله. الزیاده والاحسان فی علوم القرآن. جلد ۷. شارقه: جامعه شارقه، ۱۴۲۷.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر. ترجمه تفسیر المیزان. جلد ۱۷. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- موسوی، سیدمحمدباقر، و علی اکبر غفاری. قصص قرآن، تاریخ انبیا و سیره رسول اکرم از بعثت تا رحلت. تهران: صدوق، [بی تا].
- نجفی خمینی، محمدجواد. تفسیر آسان. جلد ۱۷. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
- نصری، عبدالله. مبانی رسالت انبیا در قرآن. تهران: سروش، ۱۳۸۸.
- هاشمی نژاد، قاسم. کتاب ایوب، منظومه آلام و محنت‌های او از عهد عتیق. تهران: هرمس، ۱۳۹۹.

ب- منابع لاتین:

- Al-Hibri, A. "An Islamic Perspective on Domestic Violence," *Multi-cultural Family* (January 2008): 311-340.
- Nasr S. H. *The study quran: a new translation and commentary*. HarperOne an imprint of HarperCollins, Washington: Sophia publication, 2017.